

رفتها خارج



دکتر علی مصباح یزدی؛ مدیر مسئول مجله دیدار آشنا

● در مدت اقامت تان در خارج از ایران در کدام کشور بودید؛ برای چند سال و به چه منظور؟

بنده برای ادامه تحصیل در مقطع ارشد و دکتری به مدت هفت سال در کشور کانادا مشغول تحصیل بودم.

● مهم ترین مزیت و مهم ترین عیبی که در زندگی در آن کشور به چشم تان می آمد؟

استفاده از منابع علمی، آشنایی با زبان، فرهنگ، نیازها، کمبودها، و زمینه های موجود برای معرفی و ترویج اسلام از نکات مثبت حضور در آن جامعه بود. رواج ضد ارزش ها، باریدن دعوت به دنیا از دور و دیوار، فقدان معنویت و دین حقیقی، تنگ نظری و نگاه تبعیض آمیز بسیاری از مردم آن دیار نسبت به مسلمانان و ایرانیان، و برخورد تحقیرآمیز دستگاه های دولتی از جمله عیوب

اشاره:

همه ساله تعداد زیادی از علاقمندان به علم و تحصیل، کشور خود را برای افزودن سطح علمی شان، موقتاً ترک می کنند.

این مسئله چیزی نیست که مختص ایران باشد و ممکن است برای هر کسی و در هر کشوری رخ بدهد و اصولاً چیزی است که در دین اسلام هم به آن سفارش شده است.

اما چه تعداد از افرادی که بورسیه تحصیلی کسب می کنند، پس از اتمام تحصیل شان حاضرند به کشورشان بازگردند؟!

چه تعداد از این افراد هستند که زرق و برق دنیا چشم شان را به خود مشغول نمی کند و حاضرند پس از اتمام تحصیل شان به کشورشان بازگردند؟ جواب این سؤال ها را می توان از زبان کسانی شنید که تجربه زندگی در چنین شرایطی را داشته اند.

دکتر علی مصباح یزدی از خاطرات دوران تحصیل در کانادا می گوید:

۲

دردناک زندگی در چنین جامعه ای است.

● از نظر مالی و موقعیت اجتماعی در چه وضعیتی بودید؟

دانشجویی در حد دیگر دانشجویان ایرانی بورسیه.

● اگر موقعیتش پیش می آمد، می ماندید؟

زندگی در جوامع غیراسلامی علاوه بر این که دارای محدودیت های فرهنگی، عاطفی، و دینی است و از این جهات سخت و گاه تحمل ناپذیر می شود، مشکل مهم تری به همراه دارد که همانا مشکل بودن دین داری و سلامت اخروی است که افراد و اعضای خانواده - به ویژه نوجوانان و جوانان - را تهدید می کند. تحمل چنین مشکلاتی تنها در صورتی ارزش دارد که هدفی والا و ارزشمند متوقف بر آن باشد و راه رسیدن به آن اهداف منحصر در تحمل این سختی ها باشد که در آن صورت هم باید به اندازه ضرورت اکتفا کرد.

این شماره: مهاجرت

پرونده ویژه

کمیک استریپ



۳۸

کسی که تمام نامه های مرا می خواند



۳۶

دریست؛ جهنم!



۳۳

بلیط دو سفره



۲۸

بلیط دوسفره

مجنبی هاشمی

ورزشکاران ایرانی زیاد به خارج مهاجرت می کنند اما اغلب آن ها برمی گردند

جدا

۲۸

ش ۱۳۴

بلیت آلمان رفت و برگشت بود

حکایت فوتبالیست‌هایی که طی دو دهه اخیر تحت عنوان «لژیونر» راهی کشورهای خارجی شدند در نوع خود جالب توجه است. در واقع می‌توان گفت حضور این ستاره‌ها در باشگاه‌های خارجی و اسم و رسمی که بعضی از آن‌ها با درخشش در تیم‌های خود کسب کردند، به همراه درآمد خوب و همچنین آشنایی با شیوه زندگی در این کشورها می‌توانست هر کسی را برای ماندن و ادامه زندگی در این کشورها مجاب کند. اما تقریباً تمامی این ورزشکاران بعد از پایان دوران قرارداد خود در این کشورها راه بازگشت به وطن را در پیش گرفتند و بعد از طی کردن سال‌های پایانی دوران بازیگری خود در کشور خودمان یا لباس مربیگری پوشیدند و یا به زندگی دور از فوتبال ادامه می‌دهند.

کشور آلمان را می‌توان مهم‌ترین مقصد این دسته از فوتبالیست‌ها قلمداد کرد که تعداد زیادی از بازیکنان ما را در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی به استخدام باشگاه‌های خود درآورد.

حضور علی دایی در «بیله‌فلد»، بایرن مونیخ و هرتابرلین، کریم باقری در «بیله‌فلد»، خداداد عزیزی در «کلن»، مهدی مهدوی کیا در «بوخوم» و «هامبورگ»، وحید هاشمیان در «هامبورگ»، «بوخوم» و «هانوفر»، علی کریمی در «بایرن مونیخ»، پاشازاده، موسوی و یزدانی در «لورکوزن»، علی منصوریان در «سن پائولی»، سیروس دین محمدی و سرژیک تیموریان در «مایننتس» و... از مهم‌ترین نقل و انتقال‌های فوتبال ما در دو دهه گذشته به حساب می‌آیند.

از میان این نفرت مهدوی کیا در هامبورگ، هاشمیان در بوخوم و علی دایی در برلین صاحب جایگاهی شده بودند که بتوانند به این شهرها به عنوان محل زندگی خود در آینده فکر کنند. اما همه آن‌ها ایران را برای ادامه زندگی ترجیح دادند و حتی وحید هاشمیان که آخرین فوتبالیست ما در آلمان بود و اخیراً حضور در این کشور با وجود قرارداد نداشتن با هیچ باشگاهی در فصل جدید، شائبه‌هایی را به ذهن می‌آورد، امروز به تهران برگشته و به عضویت تیم پرسپولیس درآمده است.

اشاره:

حشمت مهاجرانی را می‌توان عنوان دارترین مربی تاریخ فوتبال ایران دانست. مردی که افتخار حضور در جام جهانی اولین بار با هدایت او به دست آمد و آخرین قهرمانی ما در جام ملت‌های آسیا هم حاصل مربیگری اوست. مهاجرانی تنها تبعه ایران است که سابقه مربیگری در ۳ تیم ملی مختلف را در کارنامه دارد و سال‌های سال در خارج از کشور اقامت داشته، اما حالا دو سالی هست که به ایران برگشته و به هدایت تیم‌های داخلی مشغول است.

جلال طالبی زمانی پیشنهاد مربیگری در تیم ملی آمریکا را در جیب داشت اما بعداً مربیگری در تیم بهمن کرج را ترجیح داد و به نیمکت تیم ملی ایران هم رسید.

محمد نصیری اولین قهرمان ایرانی وزنه‌برداری المپیک، سال‌ها در کانادا اقامت داشت اما حالا به وطن برگشته. این‌ها فقط تعداد کمی از چهره‌های ورزشی کشورمان هستند که حضور در زیر پرچم کشورمان را به جذابیت‌های این سو و آن سوی دنیا ترجیح داده‌اند.

ورزش همیشه زمینه خوبی را برای مهاجرت فعالان این حوزه به کشورهای خارجی فراهم کرده، اما می‌توان گفت در ایران اغلب این مهاجرت‌ها بی‌بازگشت نبوده و مهاجران ورزشی، دوری از وطن را برای سال‌های متمادی طاقت نیاورده‌اند.

ینگه دنیا در جیب قهرمانان

گرفتن گرین کارت اقامت در آمریکا، یکی از عادت‌هایی است که چند وقتی هست در میان ورزشکاران ما باب شده، هر چند این تلاش‌ها و هزینه‌ها اغلب برای مهاجرت و اقامت دائمی در ینگه دنیا صورت نمی‌گیرد.

ورزش ما در دو دهه اخیر کمتر ورزشکارانی را سراغ دارد که ایران را برای اقامت دائمی در آمریکا ترک کرده باشند. این در حالی است که در حال حاضر علی دایی، کریم باقری، محمد خاکیور، علیرضا دبیر، حسن رنگرز و... گرین کارت آمریکا را در جیب دارند اما در کشور خودمان به فعالیت مشغولند. امیر قلعه‌نویی و فرهاد کاظمی مربیان مطرحی که یکی از آن‌ها فعلاً اجازه کار ندارد هم سخت در تلاش برای گرفتن اقامت در آمریکا هستند. برخی از این اسامی حتی حرکتهایی هم در زمینه خرید خانه و مستغلات در این کشور انجام داده‌اند اما هیچ کدام تن به اقامت دائمی در این سرزمین نمی‌دهند. حتی خاکیور که مدت‌ها در آمریکا به اداره مدرسه فوتبال مشغول بود، امروز به ایران برگشته و در باشگاه استیل آذین مربیگری می‌کند.



۵

شعبه ایران در دوبی

بررسی پرونده مهاجرت‌ها و رفت و برگشت‌های ورزشکاران ایرانی بدون اشاره به کشور امارات متحده عربی و به‌خصوص شهر دوبی، مطمئناً یک چیز کمی دارد.

دوبی اگر چه امروز از حضور بازیکنان ایرانی خالی شده اما تا همین یکی دو سال قبل یکی از پاتوق‌های مهمی بود که ستاره‌های فوتبال ما برای کسب درآمد بیش‌تر آن‌جا را برای ادامه فوتبال انتخاب می‌کردند.

حتی در مقاطعی تعداد ایرانی‌های شاغل در لیگ امارات از یک تیم فوتبال کامل هم می‌گذشت. از میان این ایرانی‌های پر تعداد، فرهاد مجیدی با ۵ سال حضور در تیم‌های مختلف اماراتی به نوعی رکورددار محسوب می‌شود.

کاپیتان فعلی استقلال با درخشش در تیم‌های اماراتی به خصوص الوصل تبدیل به مرد محبوب شیوخ عرب شده بود و نفوذ زیادی در این تیم داشت. گفته می‌شود فرهاد امروز هم صاحب املاک و فروشگاه‌های زیادی در شهر دوبی است و اگر اراده کند می‌تواند به راحتی زندگی بی‌دردسری در این کشور داشته باشد اما او زندگی در تهران را ترجیح می‌دهد.

۴

حسین رضازاده

غول سنگین وزن وزنه‌برداری و قوی‌ترین مرد جهان در یک دهه گذشته را می‌توان صاحب بزرگ‌ترین پیشنهاد برای مهاجرت و تغییر تابعیت از سوی خارجی‌ها دانست. پیشنهادی که البته رضازاده به آن رضای نداد و در کشورمان ماندگار شد. قهرمان المپیک‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ بعد از چندین عنوان قهرمانی در جهان و المپیک از سوی کشور ترکیه پیشنهاد تغییر تابعیت و شرکت در مسابقات زیر پرچم این کشور را دریافت کرد.

ترک‌ها حتی حاضر بودند مبلغ کلانی (حدود ۱۰ میلیارد تومان) بابت این کار به رضازاده پرداخت کنند. اما او زیر بار نرفت و ترجیح داد همچنان برای کشور زادگاهش به کسب افتخار بپردازد. رضازاده البته بعد از هر عنوان قهرمانی با جوایز نقدی و سکه‌های طلا از سوی مسئولان ورزش کشور مورد تشویق قرار می‌گرفت. اما میزان این جوایز به هیچ وجه با مبلغی که او دست رد به سینه آن زد قابل مقایسه نیست.

۳

مهاجران سال‌های دور

حالا که صحبت از آمریکا به میان آمد بد نیست اشاره‌ای هم داشته باشیم به جمعی از ورزشکاران قدیمی که در سال‌های دورتر - بعضاً پیش از انقلاب اسلامی - به ینگه دنیا مهاجرت کرده و اغلب در آن‌جا ماندگار شدند.

عبدالله موحد و امامعلی حبیبی دو قهرمان المپیک و ستاره‌های سالیان دور کشتی ایران مدت‌هاست در آمریکا اقامت دارند و از این میان موحد که به اداره مستغلات و پمپ‌بزن‌های خود مشغول است، گاهی سفرهای کوتاهی هم به ایران دارد.

آندرانیک اسکندریان ملی‌پوش فوتبال ایران در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین هم سال‌هاست شهروند ایالات متحده شده و حتی فرزند او، آلکو اسکندریان در باشگاه‌های آمریکایی بازی می‌کند و سابقه عضویت در تیم ملی امید این کشور را هم دارد. از این‌ها گذشته ناصر نوآموز رئیس اسبق فدراسیون فوتبال و بازیکن سال‌های دور باشگاه پاس، همراه خانواده خود در آمریکا اقامت دارد. او حتی فرزند خود آرش را هم با این‌که بازیکن خوبی در تیم پاس دهه ۷۰ بود از ایران برد و به جمع بقیه خانواده محلق کرد. به این اسامی حسین کلانی را هم باید اضافه کرد که چندین سال مقیم ینگه دنیا بود. اما در چند سال اخیر بیش‌تر در ایران و در اطراف فوتبال دیده می‌شود.

۶

مهاجرت از آمریکا به ایران

در موضوع مهاجرت‌های اهالی ورزش بد نیست به یک نمونه جالب هم اشاره کنیم که راه مهاجرت را برعکس طی کرده و الگویی برای وارد کردن ارز به کشور به حساب می‌آید. مجید ساعدی فر را اهالی فوتبال با لباس پزشک تیم ملی در یک دوره طولانی و همچنین به عنوان صاحب یک تولیدی پوشاک اسم و رسم‌دار در کشورمان می‌شناسند. دکتر ساعدی‌فر که چند سالی در تیم پاس فوتبال بازی کرد. اما به جایی نرسید. زمانی بدون پشتوانه مالی خاصی راهی آمریکا شد و با تلاش خودش در این کشور به کسب درآمد از راه تأسیس مطب و کلینیک پرداخت. گفته می‌شود بعد از مدتی تعداد کلینیک‌های متعلق به او در آمریکا به عددی دو رقمی رسیده بود. اما او بعداً همه این دارایی‌ها را به ایران انتقال داد و در کشور زادگاهش به ادامه کار مشغول شد. ساعدی‌فر واسطه اصلی حضور خداداد عزیزی در آمریکا و حضور یکساله‌اش در باشگاه «سن خوزه ارث کوئیک» هم بود.

